

انقلاب ارتباطات یا انقلاب کنترل؟



حریم شخصی فرد در عصر ارتباطات

ناصر پورحسن



اشاره

ظهور وسایل نوین ارتباطی، مجدداً مسأله رابطه «حکومت - فرد» را به مرکز ثقل مباحث سیاسی کشانده است. ماهیت دوگانه وسایل ارتباطی، به‌طورکلی دو دیدگاه را مطرح ساخته است:

عده‌ای رسانه‌های نوین را به مثابه ابزاری برای شرکت گسترده فرد در فرایند سیاسی دانسته و «دموکراسی مستقیم» را مطرح می‌کنند. این دیدگاه معتقد است که قدرت فرد بر اثر ظهور این رسانه‌ها متحول گشته و نسبت بهره‌مندی فرد از وسایل ارتباط جمعی بیشتر از حکومت است.^۱

در مقابل، عده‌ای دیگر معتقدند وسایل جدید ارتباطی به تمرکز «کنترل» در دست حکومت انجامیده، توانایی تنظیمی و نمادین آنها را افزایش داده و در نهایت منجر به اعمال حاکمیت به شیوه متمرکز شده است. طرفداران این عقیده از این کارکرد وسایل ارتباطی به عنوان «انقلاب کنترل» یاد کرده‌اند.

آنچه در پی می‌آید، بررسی دیدگاه دوم یا «انقلاب کنترل» است. این دیدگاه در چارچوب «نظریه سیستم‌ها» و با توجه به مسأله اعمال حاکمیت دولت‌ها مورد تحلیل واقع شده است.

مبانی نظری کنترل در نظام‌های سیاسی نگاهی کوتاه به تاریخ نظریات سیاسی به‌ویژه از هنگامی که بحث حاکمیت دولت‌ها مطرح شده، نشان می‌دهد که حکومت‌ها همواره به روش‌های مختلفی سعی کرده‌اند که تمامی قدرت را در خود متمرکز کنند. در واقع تمرکز بخشیدن به قدرت، یکی از اهداف اولیه بنیان‌گذاران حاکمیت بوده است. نظریه پردازان حاکمیت کوشیدند که پراکندگی قدرت - که از یک طرف در دست کلیسا و از طرف دیگر در دست حکومت‌های منطقه‌ای بود - را در یک مرکز خاص جمع کنند و بر همین اساس انحصار حاکمیت در دست یک شخص یا یک گروه خاص به وجود آمد و هدف ژان بیدن^۲ - بنیانگذار نظریه حاکمیت - نیز دادن پشتوانه به یک قدرت

سیاسی تقریباً مطلق در برابر سایر کانون‌های قدرت بود. پس از «بدن»، «هابس»، لویتان^۲ - غول افسانه‌ای قدرت - و تمرکز شدید قدرت در دست شخص حاکم را مطرح نمود و به دنبال طرح آن نظریات بود که ایده دولت مطلقه شکل گرفت. اگر چه این نوع از دولت‌ها در سراسر دنیا کم‌کم به سمت اعمال حاکمیت به شیوه دموکراتیک در (سطوح مختلف) سیر کرده‌اند اما ایده «کنترل» در دست حاکمیت و قوه کارگزار آن، کماکان هسته اولیه حاکمیت دولت‌ها را تشکیل می‌دهد.

شدیدی از سوی دولت‌ها شده است و بنا به همین دلیل است که امروزه از اصطلاح «انقلاب کنترل» یاد می‌شود.

البته لازم به ذکر است که کنترل افراد از مبانی سیاسی و فلسفی نظام‌های سیاسی سرچشمه گرفته که در هریک از آنها پیش‌فرض‌هایی در مورد ماهیت انسان، جامعه و رابطه این دو وجود دارد. رسانه‌های نوین ارتباطی نیز در خدمت همان مبانی در آن نظام‌ها قرار دارند.

نظام‌های سیاسی برای کنترل افرادی که در حوزه حاکمیت آنها قرار دارند و

■ عده‌ای رسانه‌های نوین را به مثابه ابزاری برای شرکت گسترده فرد در فرایند سیاسی دانسته و «دموکراسی مستقیم» را مطرح می‌کنند. این دیدگاه معتقد است که قدرت فرد بر اثر ظهور این رسانه‌ها متحول گشته و نسبت بهره‌مندی فرد از وسایل ارتباط جمعی بیشتر از حکومت است.

■ عده‌ای دیگر معتقدند وسایل جدید ارتباطی به تمرکز «کنترل» در دست حکومت‌ها انجامیده، توانایی تنظیمی و نمادین آنها را افزایش داده و در نهایت منجر به اعمال حاکمیت به شیوه متمرکز شده است. طرفداران این عقیده از این کارکرد وسایل ارتباطی به عنوان «انقلاب کنترل» یاد کرده‌اند.

دولت حاکم بنا به وجود نوع وسیله کنترل، در هر مقطع زمانی از وسیله‌ای خاص برای کنترل هر آنچه که در حوزه تحت‌کنترلش قرار دارد استفاده کرده است. ظهور وسایل ارتباط جمعی (انواع قدیمی آن) نیز در خدمت این آرمان حکومت قرار گرفت. بعضی از کارکردهای وسایل قدیمی ارتباط جمعی به قدرت افراد افزود و تا حدودی از کنترل حکومت‌ها کاست. اما ظهور موج دوم رسانه‌های ارتباطی، علی‌رغم بعضی کارکردهای آن که به نفع قدرت فرد است، باعث اعمال کنترل

روش اتخاذ می‌نمایند؛

الف) مجموعه اقداماتی که تحت‌عنوان «کنترل نامحسوس» از آن یاد می‌شود و هدف از آن پی‌ریزی و تسهیل اعمال حاکمیت در یک فرایند بلندمدت است.

ب) «کنترل مستقیم» که دولت به صورت ملموس بر افراد اعمال می‌نماید.

الف) کنترل نامحسوس
کنترل نامحسوس به مجموعه

اقداماتی اطلاق می‌شود که نظام سیاسی طی فرایندی بلندمدت به منظور کنترل افراد انجام می‌دهد. این اقدامات زیرساختاری نظام سیاسی، کنترل بر افراد حوزه قدرت را در آینده تسهیل می‌کند. اگر نظامی بتواند این مرحله را با موفقیت پشت سر بگذارد - اگر چه این مرحله ایستا نبوده و همیشه در جریان است - کنترل به صورت خودکار و از طریق ضمانت‌های اجرایی فشارهای اجتماعی اعمال می‌شود حکومت، دیگر کارکنان را چندان به صورت عریان و خشن - که توسط

عدم آن است که امروزه در مقابل رسانه‌های نوین ارتباطی بسیار حساسیت ایجاد کرده است و آثار آن نمایان‌تر گشته است. یکپارچگی - و طبیعتاً نه یکدستی مطلق جامعه - همواره از دغدغه‌ها و ذهن مشغولی‌های حکومت‌ها بوده است.^۵

اگر با یک برش تاریخی پا به عصر رنسانس بگذاریم، مفهوم یکپارچگی تحت عناوین خاصی نظیر: «ملت - سازی»^۶ در عصر رنسانس آغاز شد. بر همین اساس پس از فروپاشی حاکمیت کلیسا و به وجود آمدن خلاء قدرت و بحران مشروعیت در اروپا جامعه‌شناسان به مسأله یکپارچگی سیاسی و اجتماعی روی آورده و به موضوعاتی چون ثبات و نظم اجتماعی علاقه‌مند شدند تا بدانند ثبات و نظم اجتماعی - سیاسی تحت چه شرایطی قوام یافته و تحکم می‌یابد و تحت چه شرایطی تضعیف شده و به ایجاد «بحران یکپارچگی» می‌انجامد. یکپارچگی سیاسی و اجتماعی، علاوه بر جامعه‌شناسان، نظر علاقه‌مندان علم ارتباطات را نیز به خود جلب نمود به طوری که بسیاری از آنان کوشیدند تا به این سؤال پاسخ دهند که ارتباطات به طور کلی چه تأثیری بر فرایند یکپارچگی سیاسی و اجتماعی می‌گذارد؟ یکی از قدیمی‌ترین تحلیل‌هایی که در این مورد صورت گرفته است، متعلق به «فردیناند تونیس» متفکر آلمانی است. تونیس در طول تاریخ دو نوع اجتماعات انسانی را از یکدیگر تفکیک کرد یکی را نوع «اجتماع»^۷ و دیگری را نوع «جامعه»^۸ نامید. تحلیل او از این دو نوع جامعه بر محور ارتباطات استوار است و به نظر او در اجتماعات سنتی تنوع و چندگانگی مشاهده می‌شود و روابط انسانی براساس شکاف‌های گروهی، قومی و فرهنگی شکل گرفته‌اند و دارای هویت بوده و از اصالت برخوردارند. ولی «جامعه» بر اثر توسعه ارتباطات و تغییر و تحول صنعتی

■ یکپارچگی سیاسی و اجتماعی، علاوه بر جامعه‌شناسان، نظر علاقه‌مندان علم ارتباطات را نیز به خود جلب نمود به طوری که بسیاری از آنان کوشیدند تا به این سؤال پاسخ دهند که ارتباطات به طور کلی چه تأثیری بر فرایند یکپارچگی سیاسی و اجتماعی می‌گذارد؟

■ ماکس وبر اعتقاد داشت مطبوعات، عناصر گوناگون جامعه را به یکدیگر پیوند می‌زنند، افکار عمومی را شکل داده، آن را هدایت می‌کنند و زمینه را برای مبادله افکار بین نخبگان و توده‌ها فراهم می‌سازند و به طور کلی به صورت وجدان جامعه عمل می‌کنند.

■ بعضی از کارکردهای وسایل قدیمی ارتباط جمعی به قدرت افراد افزود و تا حدودی از کنترل حکومت‌ها کاست. اما ظهور موج دوم رسانه‌های ارتباطی، علی‌رغم بعضی کارکردهای آن که به نفع قدرت فرد است، باعث اعمال کنترل شدیدی از سوی دولت‌ها شده است.

« ابزارهای خاصی اعمال می‌شود - انجام نمی‌دهد. با این مقدمه به مرور مصادیق کنترل غیرمستقیم می‌پردازیم.

۱. ارتباطات و یکپارچگی اجتماعی - سیاسی

یکپارچگی سیاسی و اجتماعی از اقدامات اساسی کنترل غیرمستقیم است. طبعاً هرچه یک نظام سیاسی از نظر سیاسی و اجتماعی یکپارچه‌تر باشد، کنترل در آن نظام ساده‌تر است و بالعکس.^۹ همین مسأله یکپارچگی و یا

جدیدی نیز توسط محققین عرصه ارتباطات ارائه شده است. یکی از این نظریه‌ها متعلق به «مک‌کورمک» آمریکایی است. مک‌کورمک معتقد است کارکرد رسانه‌ها در جوامع صنعتی و پیچیده امروزی عبارت است از نزدیک ساختن عناصر پراکنده و اتمی شده به یکدیگر و ایجاد یکپارچگی در بین آنها از یک سو و جامعه‌پذیر ساختن اعضای توده از سوی دیگر.

مک‌کورمک معتقد است که امروزه به رغم تقسیم کار و تخصص در جوامع کنونی، که



به چندگانگی و تفرق اجتماعی گرایش دارند، رسانه‌های همگانی این احساس را در افراد به وجود می‌آورند که عضوی از جامعه کل و پدیده بزرگتری هستند و بدین‌گونه به افراد هویت بخشیده و در آنها احساسی از یگانگی به وجود می‌آورند.^{۱۲} حجم قابل ملاحظه‌ای از تحقیقاتی که پس از جنگ جهانی دوم انجام گرفته تأثیر ارتباطات را، به‌خصوص رسانه‌های همگانی، بر تحقق یکپارچگی ملی مورد تأکید فراوان قرار داده‌اند.^{۱۳} در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی، بسیاری از

■ برخی نظریه‌پردازان براین باور بودند که ارتباطات و به‌ویژه رسانه‌های جمعی از چنان قدرتی در تأثیرگذاری برخوردارند که به سهولت می‌توانند بین عناصر پراکنده اجتماعی و اتمی شده هماهنگی ایجاد کنند و با ارائه مجموعه‌ای از اطلاعات، ارزش‌ها، اندیشه‌ها و ایده‌های یکدست در بین عناصر پراکنده و تنها، تصاویر ذهنی مشترکی از واقعیت‌های جهان خارج در پیامگیران خود به وجود آورند و نهایتاً جهان‌بینی واحدی را القاء نمایند.

به تدریج «اجتماع» را در خود هضم می‌کند. مشخصات گروهی و ارتباطات انسانی با توجه به جنبه‌های احساسی، عاطفی و شخصی تضعیف می‌شود و هویت فردی و گروهی جای خود را به هویت سازمانی می‌دهد. چندگانگی‌ها و اختلافات میان گروهی رخت برمی‌بندد و همشکلی و یکپارچگی جایگزین تنوع و تفاوت‌ها می‌شود.^{۱۴}

یکی دیگر از محققینی که در این زمینه تحقیق کرده است، ماکس وبر است. مطالعات وبر بر روی مطبوعات و رابطه آن با یکپارچگی متمرکز بود. ماکس وبر اعتقاد داشت مطبوعات، عناصر گوناگون جامعه را به یکدیگر پیوند می‌زنند، افکار عمومی را شکل داده، آن را هدایت می‌کنند و زمینه را برای مبادله افکار بین نخبگان و توده‌ها فراهم می‌سازند و به‌طور کلی به‌صورت وجدان جامعه عمل می‌کنند. این جامعه‌شناسان هرچند نقش رسانه‌ها را در یکپارچگی اجتماعی بسیار مؤثر می‌دانستند، اما گسترش ارتباطات در عصر جدید و تأثیر آن را بر جامعه بشری در درازمدت را با دیدی منفی ارزیابی کردند.^{۱۵}

همزمان با نظریات فوق نظریه‌های دیگری در این زمینه مطرح شد که با دیدی مثبت به تأثیر نقش رسانه‌ها در یکپارچگی اجتماعی می‌نگریست. طرفداران این

نظریه‌ها براین باور بودند که ارتباطات و به‌ویژه رسانه‌های جمعی از چنان قدرتی در تأثیرگذاری برخوردارند که به سهولت می‌توانند بین عناصر پراکنده اجتماعی و اتمی شده هماهنگی ایجاد کنند و با ارائه مجموعه‌ای از اطلاعات، ارزش‌ها، اندیشه‌ها و ایده‌های یکدست در بین عناصر پراکنده و تنها، تصاویر ذهنی مشترکی از واقعیت‌های جهان خارج در پیامگیران خود به وجود آورند و نهایتاً جهان‌بینی واحدی را القاء نمایند.^{۱۱} علاوه بر دیدگاه‌های سنتی، نظریه‌های

محققین و سیاستگذاران به نقش رسانه‌های الکترونیکی در زمینه‌های یکپارچگی ملی و توسعه، امید فراوان بسته بودند. آنها معتقد بودند که رسانه‌ها می‌توانند به فرایند تحقق یکپارچگی از طریق ترکیب وفاداری‌های قبایل و گروه‌های قومی و فرهنگی در سطوح ملی کمک نمایند.

نظریه‌هایی که تاکنون در رابطه میان ارتباطات و یکپارچگی مطرح شده است را می‌توانیم این‌گونه خلاصه کنیم که در این‌باره دو نوع تمایل کاملاً متضاد وجود دارد؛ یکی از این دو، آثار گریز از مرکز وسایل ارتباطی است. یعنی اثراتی که در جهت تغییر و تحول اجتماعی، اتمی شدن عناصر، گسترش آزادی‌های

نظریه تأثیر وسایل ارتباطی را در جهت همشکل‌سازی و یکسان‌سازی افراد در جامعه در نظر می‌گیرد و مدعی است وسایل ارتباطی تفاوت‌ها و اصالت‌های گروهی، فرهنگی و محلی را کاهش داده و یا از بین می‌برند و به‌وسیله «دروازه‌بانان» خود واقعیت‌های اجتماعی را دستکاری کرده و از آن به عنوان یک عامل کنترل‌کننده جامعه و سازمان‌دهنده آن بهره‌برداری می‌کنند. نمونه این دیدگاه جامعه توده‌وار است و دیدگاه کارکردی ساختاری نمونه‌ای برای دیدگاه منفی این نظریه به‌شمار می‌رود.

درباره تمایلات گریز از مرکز وسایل ارتباطی نیز دو دیدگاه مثبت و منفی مشاهده می‌شود. دیدگاه مثبت، نقش

■ کورمک معتقد است که امروزه به رغم تقسیم کار و تخصص، جوامع کنونی به چندگانگی و تفرق اجتماعی گرایش دارند، رسانه‌های همگانی این احساس را در افراد به‌وجود می‌آورند که عضوی از جامعه کل و پدیده بزرگتری هستند و بدین‌گونه به افراد هویت بخشیده و در آنها احساسی از یگانگی به‌وجود می‌آورند.

فرد، تنوع و گونه‌گون‌سازی اجتماعی به جریان می‌افتد و بدین سو تمایل دارد. دیگری، آثاری است که گفته می‌شود تمایل به مرکز دارد و بر جنبه‌هایی چون نظم، کنترل، انسجام و یکپارچگی اجتماعی تأکید می‌ورزند. هر یک از دو گروه نظریه‌های فوق‌الذکر دارای یک وجه مثبت و یک وجه منفی است و در این صورت رابطه رسانه‌ها با جامعه با توجه به تأثیر یکپارچگی، چهار حالت به خود می‌گیرد. براین اساس نظریه تمایل به مرکز دارای یک دیدگاه مثبت و یک دیدگاه منفی است:

دیدگاه مثبت این نظریه به رسانه‌ها به عنوان یک عامل یکپارچه‌کننده و انسجام بخش جامعه می‌نگرد. دیدگاه منفی این

نظام‌هایی که این کارکرد را به خوبی و با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند نیازی به روی آوری به اجبار فیزیکی برای کنترل افراد حوزه استحفاظی خود احساس نمی‌کنند.

نظام‌های سیاسی علاوه بر یکپارچه‌سازی، کارکردهای دیگری برای فراهم آوردن زمینه کنترل انجام می‌دهند. این کارکرد را در سطح کلی تر با عنوان حفظ و تطبیق نظام سیاسی مورد بحث قرار می‌دهیم.

۲. ارتباطات؛ حفظ و تطبیق سیستم سیاسی

هر نظام سیاسی برای بقای خود باید حداقل هفت وظیفه را انجام دهد که مهمترین آنها، جامعه‌پذیری سیاسی و گزینش سیاسی است.^{۱۴}

۲-۱. جامعه‌پذیری سیاسی و انتقال فرهنگ سیاسی

برای آنکه یک نظام سیاسی به طرز مؤثری اداره شود، باید اعضای جامعه تحت تأثیر گرایش‌ها و ارزش‌های حامی نظام قرار گیرند. این وظیفه که مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی است همراه با ارتباطات سیاسی، نظام سیاسی را با شرایط جدید تطبیق داده و باعث می‌شود که نظام همیشه پویا بوده و زنده بماند. چنانچه هر سیستمی نتواند به خوبی این وظیفه را انجام دهد، دچار عدم تعادل یا سوء کارکرد شده و در درازمدت قادر به ادامه حیات نخواهد بود.

جامعه‌پذیری یعنی شیوه آشناسدن کسودکان با ارزش‌ها و ایستارهای جامعه‌خویش. جامعه‌پذیری سیاسی بخشی از همین فرایند است که طی آن ایستارهای سیاسی فرد شکل می‌گیرد. در مورد جامعه‌پذیری سیاسی باید روی دو نکته کلی تأکید کرد: نخست اینکه جامعه‌پذیری سیاسی می‌تواند به شکل

رسانه‌ها را با توجه به تأثیرات اجتماعی آنها مانند تأثیرات نوسازی، آزادی فردی و تحرک اجتماعی در نظر می‌گیرد و بر آن تأکید می‌گذارد. در حالی که جنبه منفی این نظریه برانسان اتمی شده، تنها و منزوی در جامعه مدرن با بیگانگی، بی‌هویتی و از دست دادن ارزش‌های سنتی و آسیب‌پذیری او در برابر سازمان‌های غیرشخصی جامعه کنونی اشاره می‌کند. با توجه به چنین دیدگاه‌هایی، می‌توان نتیجه گرفت که اثرات وسایل ارتباطی در رابطه با یکپارچگی یا به سمت همانندسازی و همشکل کردن عناصر جامعه و کنترل و سازماندهی آن حرکت می‌کنند و یا در جهت کثرت‌گرایی و پیوند داوطلبانه افراد گام برمی‌دارند.

انتقال و یادگیری مستقیم یا غیرمستقیم صورت گیرد. جامعه‌پذیری مستقیم حالتی است که اطلاعات، ارزش‌ها یا احساسات ناظر بر مسائل سیاسی به صراحت انتقال می‌یابد. درس تعلیمات مدنی در مدارس، نمونه جامعه‌پذیری سیاسی مستقیم است. جامعه‌پذیری سیاسی غیرمستقیم هنگامی رخ می‌دهد که تجربیات ما ناخواسته به دیدگاه‌های سیاسی ما شکل می‌دهد.

یکی از راه‌های ترسیم نقشه فرهنگ سیاسی یک ملت، که ارتباط خاصی با کنترل دارد، تشریح ایستاره‌هایی است که شهروندان در قبال سه سطح نظام سیاسی یعنی: نظام، فرآیند و سیاستگذاری دارند. در سطح سیستم به دیدگاه شهروندان و رهبران در مورد ارزش‌ها و سازمان‌های قوام‌بخش نظام سیاسی علاقه‌مندیم. نحوه انتخاب رهبران و اطلاعات شهروندان از قوانین چگونه است و چگونه باید باشد؟ در سطح فرایند، به تمایلات افراد برای درگیر شدن در قوانین یعنی طرح تقاضا، اطاعت از قوانین، حمایت از برخی گروه‌ها و مخالفت با برخی دیگر و اشکال مختلف مشارکت علاقه‌مندیم. در سطح سیاستگذاری می‌خواهیم بدانیم که شهروندان و رهبران انتظار چه سیاست‌هایی از حکومت دارند، چه اهدافی قرار است تعیین شود و چگونه باید به آنها دست یافت؟

مهمترین جنبه تمایلات سیستمی در مورد فرهنگ سیاسی که به مبنای کنترل مربوط می‌شود، سطح و مبنای مشروعیت حکومت است. اگر شهروندان باور داشته باشند که باید از قوانین اطاعت کنند در این صورت مشروعیت حکومت چشمگیر است. اما اگر هیچ دلیلی برای اطاعت نیابند یا تنها از روی ترس اطاعت کنند، مشروعیت حکومت پایین خواهد بود. از آنجا که وقتی شهروندان به مشروعیت حکومت باور داشته باشند

تأمین متابعت آنها به مراتب ساده‌تر است، در عمل تمامی حکومت‌ها می‌کوشند تا لزوم اطاعت از قوانین حکومت و مشروعیت استفاده از زور علیه کسانی را که مقاومت نشان می‌دهند، به شهروندان بساوورانند. حکومتی که از مشروعیت بالایی برخوردار باشد، احتمال بیشتری دارد که بتواند در برابر چالش‌های جدید، مقاومت و به آنها غلبه نماید. با توجه به اینکه فرهنگ سیاسی یکی از مهمترین عناصر اصلی در حلقه ارتباطی دولت و جامعه است و چارچوبی را ترسیم می‌کند

بپذیرند. هرچند در ظاهر به نظر می‌رسد که استخدام سیاسی وظیفه‌ای جداگانه برای حفظ و تطبیق سیستم سیاسی باشد، اما همان‌گونه که گابریل آلموند نیز متذکر شده، گزینش سیاسی ادامه جامعه‌پذیری سیاسی است. وی در این باره می‌نویسد: «هر جا که وظیفه جامعه‌پذیری سیاسی عمومی خاتمه پذیرد، وظیفه گزینش سیاسی شروع می‌شود. (اعضای جامعه خارج از فرهنگ‌های خاص - جوامع مذهبی، طبقات اجتماعی، جوامع قومی و مشابه - برگزیده می‌شوند.

■ **نظام سیاسی به منظور فراهم آوردن زمینه‌های کنترل در محدوده حاکمیت خویش در سه زمینه جامعه‌پذیری سیاسی، استخدام سیاسی و ارتباطات سیاسی فعالیت می‌کند.**

■ **نظام سیاسی می‌کوشد با کنترل کارگزاران جامعه‌پذیری سیاسی، به ویژه رسانه‌های ارتباطی، کنترل محتوای مبادلات ارتباطی و استخدام سیاسی هدفدار، محیطی یکپارچه به وجود آورده و افراد تحت حاکمیت را در کنترل خویش محصور دارد.**

■ **ارتباطات به عنوان عنصر مرکزی فرایند اجتماعی در حکم سلسله اعصاب حکومت است که تمامی بخش‌ها و عناصر مختلف جامعه را به یکدیگر پیوند می‌دهد.**

■ **اگر سیاست را به عنوان یک «نظام» در نظر بگیریم، کنترل آن بر محور ارتباطات می‌چرخد و توانایی دولت برای کنترل با توانایی آن در برخورد با اطلاعات مرتبط است.**

که ارزش‌ها و احساسات سیاسی در درون آنها فرمول‌بندی می‌شود، به‌ویژه آنکه در این فرایند رسانه‌های جمعی نقش بسیار تعیین‌کننده دارند، پس آنها از مبنای کنترل حکومت به‌شمار می‌روند.

۲-۲. استخدام سیاسی

فرایند جامعه‌پذیری سیاسی و انتقال فرهنگ سیاسی با استخدام سیاسی تکمیل می‌شود. در اینجا استخدام سیاسی به لزوم ایجاد موجباتی اشاره می‌کند که اعضای جدید، نقش‌های تأسیس شده را

۲-۳. ارتباطات سیاسی

سومین کارکرد حکومت برای حفظ و تطبیق نظام سیاسی، ارتباطات سیاسی است. ارتباطات به مثابه خون در بدن انسان در سطح سیستم جریان دارد. این ارتباطات نقل و انتقال اخبار میان افراد از سیستم به افراد (بالا به پایین) و از افراد به سیستم (پایین به بالا) در جریان است که در این مطلب صرفاً شکل اول مدنظر است.

ساختارهایی که وظیفه ارتباطات سیاسی را انجام می‌دهند، عبارتند از:

الف) تماس‌های رویاروی غیررسمی؛ این همان ارتباطات اولیه یا روابط چهره به چهره است و نقش بسیار مهمی را در ارتباطات سیاسی به عهده می‌گیرد.

ب) ساختارهای اجتماعی غیرسیاسی؛ مانند افراد فامیل، گروه‌های مذهبی و گروه‌های اجتماعی. در این مورد، هم ساختارهای سنتی مانند قبیله و هم ساختارهای نوین مانند محل کار و دانشگاه مؤثر هستند.

ج) ساختارهای طرف نهاده^{۱۵} سیستم سیاسی؛

ساختارهایی که در اینجا نقش دارند عبارتند از: گروه‌های ذی‌نفوذ و احزاب سیاسی که از عوامل مهم ارتباطات سیاسی به‌شمار می‌روند.

د) ساختارهای طرف داده^{۱۶} سیستم سیاسی؛

ساختارهایی که در این بخش نقش دارند عبارتند از: قوه مجریه، مقننه، بوروکراسی و دادگاه‌ها. بوروکراسی‌ها به لحاظ ارتباط گسترده‌ای که با مردم دارند، نقش بسیار مهمی را در ارتباطات سیاسی بازی می‌کنند. کنترل محسوس نظام سیاسی بر روی افراد در قالب استخدام سیاسی، در قسمت بعد بررسی می‌شود.

ه. وسایل تخصصی ارتباطات سیاسی؛ مانند روزنامه‌ها، مطبوعات، مجلات، رادیو، تلویزیون و وسایل نوین ارتباطی که وظیفه اصلی آنها ارتباطات است.

از نقطه نظر تجریه و تحلیل تطبیقی، به‌ویژه هنگامی که مسأله کنترل را مدنظر داشته باشیم، مسائل زیر باید در ارتباط با ساختارهای فوق بررسی شوند:

الف) وجود یا فقدان این ساختارها
ب) میزان اطلاعاتی که از آنها می‌گذرد.

ج) آزادی و خودمختاری ایمن ساختارها

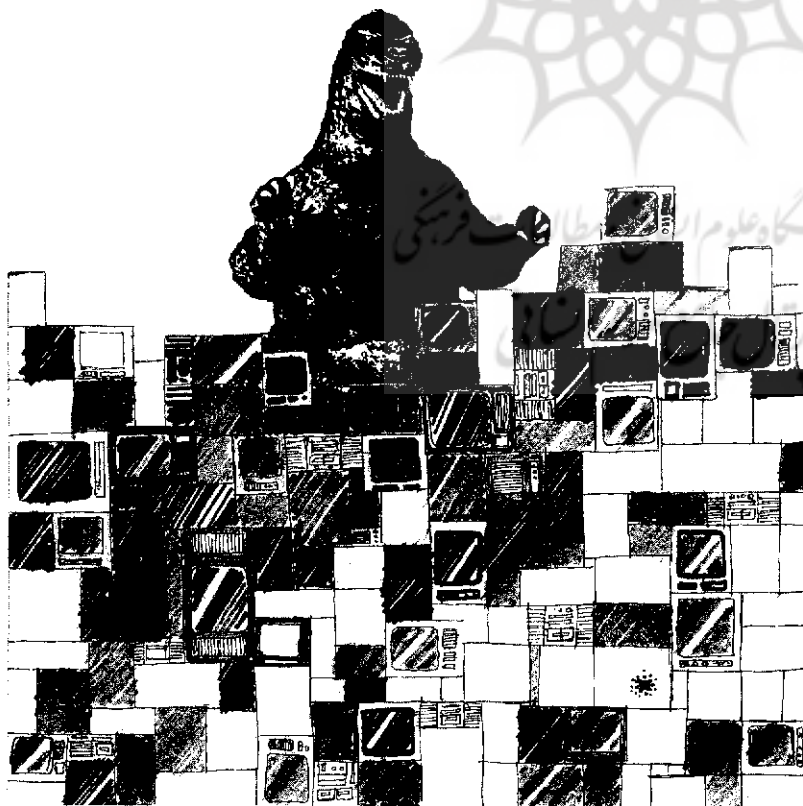
آنچه از مبحث عملکرد سیستم سیاسی در زمینه حفظ و تطبیق سیستم سیاسی در ارتباطات و یکپارچگی ناشی از عملکرد وسایل ارتباطی نتیجه می‌گیریم این است که نظام سیاسی به منظور فراهم آوردن زمینه‌های کنترل در محدوده حاکمیت خویش در سه زمینه جامعه‌پذیری سیاسی، استخدام سیاسی و ارتباطات سیاسی فعالیت می‌کند. در این سه فعالیت، نظام سیاسی می‌کوشد با کنترل کارگزاران جامعه‌پذیری سیاسی، به ویژه رسانه‌های ارتباطی، کنترل محتوای

مبادلات ارتباطی و استخدام سیاسی هدفدار، محیطی یکپارچه به‌وجود آورده و افراد تحت حاکمیت را در کنترل خویش محصور دارد.

ب) کنترل محسوس

وسایل نوین ارتباطی و انقلاب کنترل ارتباطات به عنوان عنصر مرکزی فرایند اجتماعی^{۱۷} در حکم سلسله اعصاب حکومت است که تمامی بخش‌ها و عناصر مختلف جامعه را به یکدیگر پیوند می‌دهد. هرگونه اختلال در بخشی از این فرایند، به منزله تضعیف یا حذف

■ وجود منابع مستقل اطلاعات و آگاهی شهروندان این فرصت را فراهم می‌آورد تا فعالیت‌های فرمانروایان خود را کنترل نموده و راه‌های سوءاستفاده از قدرت توسط آنان را محدود سازند. میزان کنترل و نظارت دولت بر محتوا و منابع اطلاعات و آگاهی، متنوع است.



کنترل در همان قسمت خواهد بود که به سایر قسمت‌ها نیز سرایت خواهد کرد. بر همین مبنا اگر سیاست را به عنوان یک «نظام» در نظر بگیریم، کنترل آن بر محور ارتباطات می‌چرخد و توانایی دولت برای کنترل با توانایی آن در برخورد با اطلاعات مرتبط است.

ارتباطات و کنترل، در حقیقت ملازم یکدیگرند. به عبارت دیگر، برقراری ارتباط همیشه به منزله اعمال کنترل است.^{۱۸} هر اندازه اطلاعات ما نسبت به پدیده‌ای بیشتر باشد، شناخت ما نیز از آن کاملتر بوده و نهایتاً توانایی تأثیرگذاری و کنترل ما فزونی خواهد یافت. با عنایت به چنین موضوعی است که حاکمان به‌طور وقفه ناپذیری تلاش می‌نمایند تا بر مؤسسات و کانال‌های اطلاعاتی و خبری تسلط یافته، اطلاعات قابل دسترسی برای شهروندان را کنترل نمایند و فیلترهای خاصی برای عبور اطلاعات ایجاد کنند. این عملکرد حکومت در واقع تکمیل مرحله کنترل نامحسوس است.

وجود منابع مستقل اطلاعات و آگاهی شهروندان این فرصت را فراهم می‌آورد تا فعالیت‌های فرمانروایان خود را کنترل نموده و راه‌های سوءاستفاده از قدرت توسط آنان را محدود سازند. میزان کنترل و نظارت دولت بر محتوا و منابع اطلاعات و آگاهی متنوع است. در نظام‌های متمرکز به یمن توانایی‌های امکانات جدید ارتباطی، با تمرکز شدید منابع اطلاعاتی، سانسور و تحریف جریان اطلاعات، محدودیت و همسانی کانال‌های خبر و آگاهی و نهایتاً جریان یک‌سویه اطلاعات و اخبار که از بالا به پایین جاری است و فرایند ارتباطی را به نوعی مونولوگ یا تک‌گویی تبدیل می‌کند، دولت بر رسانه‌ها و مجراهای ارتباطی تسلط دارد. البته کنترل ارتباطات و هرآنچه که از مجرای آن عبور می‌کند ناشی از میزان مشروعیت و پیش‌فرض

نظام‌های سیاسی در مورد انسان است. بعضی از نظام‌ها شدیداً به افراد بدبین هستند و آنان را فاقد قدرت انتخاب و تشخیص خیر و شر می‌دانند و براین اساس است که تلاش می‌کنند با ممانعت از تبادل علنی افکار، آنان را نسبت به یکدیگر منزوی سازند.^{۱۹} ممانعت از ارتباط انسانها به منزله تنزل افراد به حد اشیاء است.^{۲۰}

۱. سانسور

فرایند ارتباطات به دو مرحله تولید و توزیع تقسیم می‌شود. هر یک از این مراحل هم به نوبه خود به دو مرحله

داخلی و سلسله مراتب است که به‌طور رسمی از سوی نظام ارتباطی ایجاد و نهادینه شده و اعضای نظام ارتباطی ملزم به تبعیت از آنها هستند.

ب) کنترل ادراکی خارجی: کنترل اجتماعی در نظام ارتباطی، گروه‌های فشار رقیب، کارکردهای دروازه‌بانی ادراکی، قوانین سازمانی نامکتوب اما قابل درک، همه از نمونه‌های کنترل ادراکی هستند.

ج) کنترل واقعی خارجی: سانسور مستقیم، صدور پروانه، عوامل نهادینه شده خارجی یا هر نوع عامل خارجی حقوقی حرفه‌ای و دولتی بافت این مقوله را تشکیل می‌دهد.

■ **حاکمان به‌طور وقفه ناپذیری تلاش می‌نمایند تا بر مؤسسات و کانال‌های اطلاعاتی و خبری تسلط یافته، اطلاعات قابل دسترسی برای شهروندان را کنترل نمایند و فیلترهای خاصی برای عبور اطلاعات ایجاد کنند. این عملکرد حکومت در واقع تکمیل مرحله کنترل نامحسوس است.**

■ **دولت‌ها و ساختارهای دیوانسالاری، کنترل و سانسور را به عنوان راهی برای اطاعت مردم از ارزش‌ها و هدف‌های موردنظر خود، تدوین و به اجرا می‌گذارند.**

تقسیم می‌شوند. در مرحله تولید، منبع یا منابعی که از طریق نهادها، گروه‌ها، افراد و سایر مجاری جریان‌های اطلاعات را به وجود می‌آورند تجزیه و تحلیل می‌شوند. در مراحل توزیع، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان ارتباطی جریان اطلاعات را در نظر می‌گیرند. به عبارتی دیگر سازه‌های موجود در چهار روند الف) منبع ب) فرایند تولید ج) فرایند توزیع د) فرایند کاربرد قابل بررسی است. بر همین اساس، کنترل دارای چهار مرحله است:

الف) کنترل واقعی داخلی: این کنترل مشتمل بر قوانین و مقررات ویژه‌ای نظیر آموزش، ویژگی‌های حرفه‌ای، قوانین

د) کنترل ادراکی خارجی: در هر جامعه‌ای نظام‌هایی نظیر نظام‌های «فرهنگی»، «شخصیتی»، «ساختار اجتماعی» و... وجود دارند. در فرایند تقاضاهایی که به نظام ارتباطی راه می‌یابند، هر یک از این نظام‌ها می‌توانند مجموعه بزرگی از متغیرها را به وجود آورند.

تلفیق انواع کنترل در سانسور تجلی می‌یابد. دولت‌ها در طول تاریخ نه تنها سعی کرده‌اند که ابزارهای اطلاع‌رسانی را در کنترل خود گیرند، بلکه کوشیده‌اند که جریان و محتوای اطلاعات و ارتباطات را نیز در جامعه تنظیم کنند. دولت‌ها و ساختارهای دیوانسالاری، کنترل و

سانسور را به عنوان راهی برای اطاعت مردم از ارزش‌ها و هدف‌های موردنظر خود، تدوین و به اجرا می‌گذارند.

اعمال سانسور در رسانه‌های قدیمی نظیر مطبوعات، رادیو و تلویزیون در سالهای اولیه پیدایش با توجه به ماهیت انعطاف‌ناپذیر آنها، برای حکومت‌ها آسان بود. حکومت‌ها به عنوان تشخیص دهنده اطلاعات خوب یا بد برای افراد تحت حاکمیت خود به‌گزینش آنها می‌پرداختند. ظهور رسانه‌های نوین ارتباطی مسأله سانسور توسط حکومت‌ها را مورد چالش قرار داده است. عده‌ای معتقدند که ماهیت تمرکزناپذیر رسانه‌های نوین ارتباطی با اعمال سانسور از طرف یک مرکز متناقض

این اصول، تاریخی طولانی دارند و در شرایطی که تکنولوژی جدید تهدیدهایی روزافزون برای حریم فردی به وجود می‌آورند، به رشد و تکامل خود ادامه می‌دهند.^{۲۱}

خطرات روزافزون انقلاب ارتباطات برای حریم خصوصی مردم به‌گسترش این مفهوم منجر شده است.

پیدایش رسانه‌هایی چون روزنامه، مجله و تلویزیون باعث ایجاد حق حریم خصوصی علیه مزاحمت در امور شخصی و تبلیغات ناخواسته شده است. شکل‌های جدید وسایل ارتباطی نظیر تلفن، قوانین حمایت از ارتباطات شخصی در برابر استراق سمع غیرمجاز دولت یا افراد را به

اطلاعات خصوصی درباره افراد مطرح شد. «طلوع حکومت کامپیوتر» آنگونه که نویسندگان توصیف کرده‌اند، در طول دوره‌هایی رخ داد که در آن به نحو روزافزونی از افراد خواسته می‌شد به منظور شرکت در یک جامعه معامله‌گر امروزی، اطلاعات شخصی‌شان را در اختیار بانک‌ها، دفاتر اعتباری، بیمارستانها قرار دهند. همین اطلاعات که به منظور خاصی از افراد گرفته می‌شود، باعث می‌گردد که افراد به عنوان «کالاهای گُدار» در اختیار حکومت قرار بگیرند و حکومت‌ها توسط ابزارهای ارتباطی نوین، کنترل کاملاً شدید و در عین حال نامرئی بر افراد تحت حاکمیت خویش اعمال نمایند.

دولت آمریکا با استفاده از کامپیوتر تلاش کرد تسلب و سوءاستفاده در برنامه‌های کمک‌های مالی دولتی را کشف کند. برای رسیدن به این منظور، صورت حقوق کارمندان دولت مرکزی با سوابق وام‌های دانشجویی آنها مقایسه شد تا تسلب‌کنندگان در دریافت وام مشخص شوند. همچنین دولت آمریکا، سوابق مهاجران را با صورت‌های پرداخت کمک‌های رفاهی مقایسه کرد تا مهاجران غیرقانونی که کمک دولتی دریافت کرده بودند، شناسایی شوند و سوابق بانک‌های خصوصی با فهرست کمک رفاهی مقایسه شد تا کسانی که موقعیت مالی خود را پنهان می‌کنند، شناخته شوند.

یکی دیگر از وسایل نوین ارتباطی، سیستم‌های تلویزیونی کابلی تعاملی است که براساس کارکرد آنها عده‌ای تصور می‌کنند که تمرکز قدرت حکومت و کنترل دولت بر افراد کمتر شده و حریم خصوصی افراد گسترش یافته است و افراد می‌توانند هر برنامه‌ای که خود خواسته‌اند را برای تماشا انتخاب نمایند. اما همین سیستم به صورت نامرئی حریم خصوصی افراد را محاصره کرده است. این سیستم به

■ بعضی از نظام‌ها شدیداً به افراد بدبین هستند و آنان را فاقد قدرت انتخاب و تشخیص خیر و شر می‌دانند و براین اساس است که تلاش می‌کنند با ممانعت از تبادل علنی افکار، آنان را نسبت به یکدیگر منزوی سازند.

■ دولت‌ها در طول تاریخ نه تنها سعی کرده‌اند که ابزارهای اطلاع‌رسانی را در کنترل خود بگیرند، بلکه کوشیده‌اند که جریان و محتوای اطلاعات و ارتباطات را نیز در جامعه تنظیم کنند.

دنبال آورد. اختراع کامپیوتر و بانک داده‌های کامپیوتری شده، کنترل، جمع‌آوری، استفاده و انتشار اطلاعات شخصی و عمومی مربوط به افراد را که توسط دولت یا شرکت‌ها نگهداری می‌شد، ضروری ساخت. اما همچنان حریم خصوصی افراد با توجه به پیشرفت وسایل ارتباطی محدودتر می‌شود.»

در میان ابزارهای نوین، کامپیوتر از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطی کنترل حکومت و بالابرنده توانایی تنظیمی حکومت‌هاست. از اواسط دهه ۱۹۷۰ موضوع حریم خصوصی بر محور رشد انفجاری کامپیوتر و توانایی آن برای جمع‌آوری، جست‌وجو و مقایسه و ادغام

است. در اینجا با گریز به مسأله حریم خصوصی افراد و رسانه‌های نوین ارتباطی می‌کوشیم تا با ارائه مصادیق متعدد اثبات نماییم که کارکرد رسانه‌های نوین ارتباطی به کنترل متمرکز قدرت در دست دولت می‌انجامد.

۲. حریم خصوصی افراد در عصر ارتباطات

حریم شخصی و خصوصی به عنوان یک ارزش اجتماعی و حق قانونی، طیف گسترده‌ای از حقوق مربوط به استقلال شخصی را تحت عنوان «حق به حال خود گذاشتن» یا «عدم مداخله در امور خصوصی دیگران» دربر می‌گیرد.

مشترکان خود اجازه می‌دهد سفارش خرید فیلم‌های خاص را دهند، اما در عین حال اپراتورهای چنین سیستم‌هایی قادر می‌گردند که براساس انتخاب‌های افراد به اطلاعات فراوانی درباره عادت، شیوه زندگی و حتی عقاید سیاسی هر یک از مشترکان شبکه دسترسی پیدا کنند و در صورت لزوم نسبت به افشای آنها اقدام نمایند. هرچند در این مورد پیشنهاداتی در مورد حفظ حریم خصوصی افراد داده شده و یا تا حدودی هم بعضی از این پیشنهادات عملی شده، اما هنوز افراد قادر به حفظ حریم خصوصی خود نیستند و روز بروز هم این حریم تنگ‌تر می‌شود.

در روزهای تظاهرات هواداران دموکراسی در میدان تیان آن من در پکن، ماهواره‌ها و فاکس‌ها فوراً اخبار لحظه به لحظه این درگیری را به نقاط مختلف دنیا ارسال می‌کردند اما تظاهرکنندگان و شهروندان چینی از گفت‌وگو با خبرنگاران امتناع می‌کردند. چون تصاویر ماهواره‌ای ارسالی از یک شبکه خبری آمریکا، از سوی مقامات چینی برای شناسایی ناراضیان مورد استفاده قرار گرفته بود. در جریان تظاهرات میدان تیان آن من، دولت چین از طریق ۳۰ هزار دستگاه فاکس که در پکن وجود داشت با مراجعه به کامپیوتر و اخذ مشخصات صاحبان فاکس، ارسال‌کنندگان اخبار از طریق فاکس را دستگیر کرد.^{۲۲}

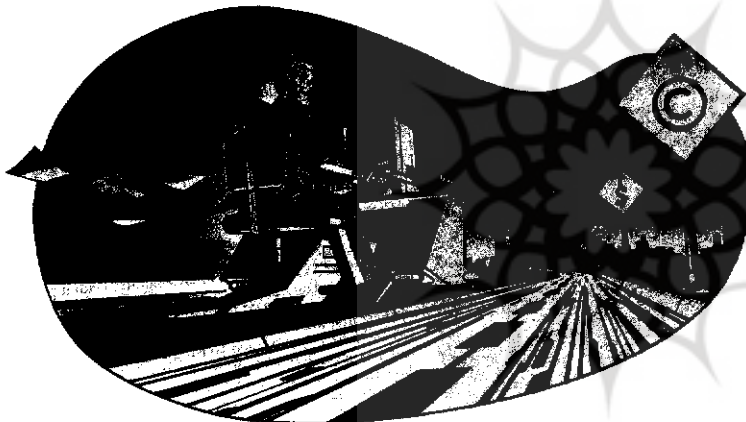
امروزه وجود خطر دوربین‌ها و میکروفن‌های مخفی هر شهروندی را در هر نقطه‌ای از دنیا هراسناک کرده به گونه‌ای که خود هر لحظه احساس می‌کند تمام حرکاتش تحت‌کنترل است. امروزه تلفن که یکی از لوازم اساسی زندگی است به فاش‌کننده اسرار افراد تبدیل شده و امکان دارد هر لحظه تماس‌های افراد کنترل شود و حتی در صورتی که این کنترل صورت نگیرد، ترس از وجود کنترل، حریم امنیتی فرد را به شدت آسیب‌پذیر کرده است.

در سطحی کلان می‌توان همین کارکرد کنترل را در مورد ماهواره‌ها نیز تسری داد. در هر صورت می‌توان گفت که حریم خصوصی افراد از سوی رسانه‌های نوین ارتباطی به شدت محدود شده و افراد به صورت کالایی درآمده‌اند که دارای یک شماره مخصوص می‌باشند و دولت هر لحظه می‌تواند آنها را در هر نقطه‌ای که باشند پیدا کرده و بر آنها اعمال کنترل نماید.

۳. استخدام و افزایش توانایی دولت
فزاینده جامعه‌پذیری سیاسی و انتقال فرهنگ سیاسی با استخدام سیاسی تکمیل می‌شود. همانطور که پیشتر ذکر

تدریس به بی‌سوادان در یک بازداشتگاه در انگلیس استخدام شود، اطلاعات زیر خواسته و گردآوری گردیده است.

سابقه تحصیلاتی یا واحدهای گذرانده شده، سوابق ورزش و زندگی خصوصی، گزارش کار و تحقیقات قبلی، نتایج سنجش ضربان قلب و فشار خون، سوابق انضباطی در دانشگاه، وضعیت واحدهای گذرانیده شده در دانشگاه، گزارش‌ها یا سوابق قضایی مانند توقیف، بازداشت، احضار به دادگاه ناحیه و بازجویی در آنجا، گزارش مأمور مربوطه، پرونده مربوط به زندان یا برگ جریمه راهنمایی و رانندگی، گزارش تصادفات، سوابق مربوط به حضور در کانون‌های اصلاح و تربیت یا



عفو به شرط ضمانت، انگشت‌نگاری تمامی انگشتان و...^{۲۳}

اگر چه شاید این مورد یک استثنا محسوب شود، اما واقعاً برای استخدام در دستگاه دولتی و غیردولتی اطلاعات مفصلی از فرد خواسته می‌شود که صحت و سقم آنها نیز به زودی برملا می‌شود. تنها با داشتن چند مورد از اطلاعات بدست آمده، می‌توان فرد را در هر نقطه از دنیا پیدا کرد و این نشانگر افزایش قدرت دولت است.

۴. نظریات گوناگون در مورد قدرت کنترل
پارادایم قدرت کنترل از طریق

شد، «استخدام سیاسی» به لزوم ایجاد موجباتی اشاره می‌کند که اعضای جدید، نقش‌های تأسیس شده را بپذیرند. هرچند در ظاهر به نظر می‌رسد که گزینش سیاسی وظیفه‌ای جداگانه برای حفظ و تطبیق سیستم سیاسی است، اما همچنان‌که آلموند نیز متذکر شده است، گزینش، ادامه جامعه‌پذیری سیاسی است.

امروزه به یمن استفاده از وسایل نوین ارتباطی، قدرت حکومت افزایش یافته و استخدام به صورت صافی معتمدی تبدیل شده است. از طریق این وسایل، حکومت می‌تواند کنترل شدیدی بر افراد حوزه حاکمیت خود داشته باشد. برای مثال از داوطلبی که قصد داشته به منظور

تکنولوژی‌های نوین ارتباطی توسط میشل فوکو ترسیم گردیده است. فوکو تکنولوژی‌های نوین ارتباطی را یادآور نوآوری معماری می‌داند که جرمی بنتام به طعنه از آن به عنوان «بینایی فراگیر» یاد کرده است.

طرح آن معمار در سال ۱۷۸۷ شامل یک برج دوازده ضلعی بود که برای مشاهده همه جوانب و به منظور کنترل و زیرنظر قرار دادن افرادی که حاکمیت اجتماعی را نادیده گرفته یا مخدوش ساخته و یا به طریقی از سلطه آن گریخته‌اند، بنا شده بود. این برج دوازده ضلعی برای کنترل مجرمان، ولگردها، دانشجویان، پناهندگان و دیگر مجرمان

مرکزی، شخص همه چیز را می‌بیند.^{۲۲} قدرت همه‌بینی به کنترل عملکرد اطلاعات توسط یکی از تکنولوژی‌های اطلاعات به ویژه از نوع کنش متقابل نظیر کامپیوترها و تجهیزات جانبی شباهت بسیاری دارد. از اواسط دهه ۱۹۷۰ تکنولوژی جدید ارتباطی یعنی کامپیوتر به خدمت نظام سیاسی درآمد. حکومت‌ها از این وسیله شمارش‌گر در چندین جهت مختلف استفاده کردند و در واقع جای نقشی را که در گذشته نیروهای انسانی در کمیت زیاد و حتی بسیار پایین‌تر از کامپیوتر انجام می‌دادند، گرفت و به همین دلیل است که امروزه از کامپیوتر به عنوان سیستم عصبی نظام جدید یاد می‌کنند. البته باید متذکر شد که از دهه ۱۹۵۰ به

■ هرچند شهروندان انجام خدمات کامپیوتری را صرفاً یک خدمت اجتماعی پیشرفته و راحت می‌پندارند اما همین کامپیوترها، دقیق‌ترین اطلاعات مربوط به افراد را به انحاء مختلف در حافظه خود می‌سپارند و کنترل همه جانبه دولت را بر همه افراد میسر می‌گردانند.

■ کامپیوتر امروزه حکومت‌ها را قادر می‌سازد که از زندگی افراد و سابقه آنها پرونده‌ای قطور و کم حجم تهیه کند و تمام اطلاعات ریزدرشت آنها را همیشه آماده و در نظر داشته باشد.

طراحی شده بود و شرایط کار به گونه‌ای بود که حضور ناظر خارجی همیشه امکان‌پذیر بود. هدف بنتام از این مسأله، پی‌ریزی اصل قابل رؤیت و در عین حال اثبات‌ناپذیر بودن قدرت بود. قابل رؤیت به این معنا که زندانی به‌طور مداوم شیخ بلندی مرکزی را که اعمالش از آنجا زیرنظر قرار دارد، در برابر دیدگان خود احساس می‌کند. اثبات‌ناپذیری هم به این معنی بود که زندانی هرگز نباید بداند که چه موقعی تحت‌نظر قرار دارد ولی باید مطمئن باشد که هر لحظه ممکن است چنین اتفاقی صورت بگیرد، در گداگرد این برج، فرد پیوسته در معرض دید قرار دارد و بدون آنکه خود ببیند در برج

بعد تدریجاً کارهای بوروکراسی و خدمات توسط کامپیوتر انجام می‌شد و این روند روزبه روز بیشتر شد تا آنجا که امروزه کامپیوتر از ابتدایی‌ترین تا پیچیده‌ترین خدمات را در حوزه دولت انجام می‌دهد و می‌توان گفت که امروزه اداره امور حکومت بدون کامپیوتر میسر نیست. هرچند شهروندان انجام خدمات کامپیوتری را صرفاً یک خدمت اجتماعی پیشرفته و راحت می‌پندارند اما همین کامپیوترها، دقیق‌ترین اطلاعات مربوط به افراد را به انحاء مختلف در حافظه خود می‌سپارند و کنترل همه جانبه دولت را بر همه افراد میسر می‌گردانند.

کامپیوتر امروزه حکومت‌ها را قادر می‌سازد که از زندگی افراد و سابقه آنها

پرونده‌ای قطور و کم حجم تهیه کند و تمام اطلاعات ریزو درشت آنها را همیشه آماده و در نظر داشته باشد. براین اساس است که برخی از متفکران مسأله «تیرانی»^{۲۵} جدید را در ارتباط با علت و معلولی تکنولوژی‌های نوین مطرح می‌کند در تکمیل این ایده، بینگر معتقد است که ارتباطات و ظهور روند اطلاعات تنها یک رو ساختار کنترل است که «انقلاب کنترل» را میسر می‌سازد.

در نهایت تمرکز شدید حکومت بر روی افراد توسط این وسایل، تداعی‌کننده واقعی رمان خیالی جرج اورول در ۱۹۸۴ است. شخصیت خیالی در رمان اورول تمام اعمال و رفتاراش توسط تله اسکرین (دوربین مداربسته) زیرنظر بود و فرد به گونه‌ای زندگی می‌کرد که گویی صدایش همواره شنیده می‌شود و کوچکترین حرکتش تحت‌کنترل است. در این نظام نه تنها رفتار فرد، بلکه اندیشهٔ درونی وی نیز تحت‌کنترل است.^{۲۶}

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی ظهور وسایل نوین ارتباطی تغییرات ماهوی فراوانی را باعث شده است. یکی از این تغییرات، تحول در رابطه «فرد - حکومت» است. این مبحث یکی از مسائل اصلی فلسفه سیاست از پیدایش حکومت‌ها تاکنون است. به گونه‌ای که می‌توان تاریخ را به نوعی جدال بر سر قبض و بسط این دو حوزه دانست. ظهور وسایل نوین ارتباطی علی‌رغم آنکه بر قدرت فرد می‌افزایند ولی تسهیلات بیشتری برای دولت ایجاد می‌کنند که حوزه کنترل خویش را بسط و حوزه فرد را منقبض نماید. امروزه دولت‌ها به یمن استفاده از وسایل ارتباطی جدید که به صورت تصاعدی در حال پیشرفت است، فرد را به انحاء مختلف به زیر سیطره خود می‌آورند. این افزایش توانایی دولت که به صورت، محسوس و

and social policy New York: wily, 1973, pp. 553-573.

12. Mc Cormack, t. "Revolution, Communication and the sense of history in katz et al. Mass media and social change, (SAGE publication, Beverly Hills, 1981)pp. 85-107.

۱۳. برای نمونه نگاه کنید به:

Lucian pye, *Communication and political Development* (princeton university press, 1963.)

۱۴. سایر وظایف عبارتند از: برانگیختن منافع، گردآوری منافع، ارتباطات سیاسی، تدوین قانون، کاربرد قانون و داوری قانون، برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

G. Almond and James Coleman, *the politics of Developing Areas*, (princeton, princeton university press, 1966) Interoductory Essay.

15. Input.

16. Output.

17. Jean Blondel, *Comparative politics*, (New York: philip Allan, 1990) p. 95.

18. Trevor Taylor, *Approaches and Theory in International Relations*, (London: Longman, 1978)p. 205.

۱۹. استون کولس، قدرت، فرانسوی یا شریطانی، ترجمه فرهنگ رجایی (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰). ص ۱۱۸.

۲۰. حسین بشیریه، نهادهای سیاسی و توسعه، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال اول، شماره ۳، آذر و دی ۱۳۷۱، ص ۵.

۲۱. امید سعودی، «تکنولوژی‌های نوین» توسعه یا انحطاط، رسانه، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵، ص ۳۳.

۲۲. نوروزی نورمحمد، «انقلاب ارتباطات و رژیم‌های اقتدارگر»، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۷۴.

۲۳. در «م» بوروکراسی، ترجمان، سال دوم، شماره ۸۸ (بیست‌وسوم مرداد ۷۶) به نقل از گاردین شماره ۵، ۳ اوت ۱۹۹۷، ص ۷۵.

۲۴. هنسون جریس و رولا، اومانان، تکنولوژی‌های جدید ارتباطی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه داود حیدری. (تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ها، ۱۳۷۲).

۲۵. Tyranny، تیرانی عنوانی است برای حکومت ستمگانه کسانی که قدرت را در یونان باستان از راه غیرقانونی به دست می‌آوردند و در مفهوم عام، حکومتی مبتنی بر زور و قدرت که باعث می‌شود طبقه خاصی که معمولاً ثروتمند است و از لحاظ کمیت تعدادشان قلیل است، بر قدرت احاطه داشته باشند.

۲۶. جرج اورول، ۱۹۸۴، ترجمه صالح حسینی (تهران: نیلوفر، ۱۳۷۴): چاپ پنجم.

پیشرفت‌های حاصل شده در کارآیی‌های ابزارهای نوین ارتباطی طبعاً در اختیار دولت‌ها نیز قرار می‌گیرند، بنابراین حوزه کنترل دولت‌ها افزایش پیدا می‌کند و به همان اندازه حریم شخصی افراد منقبض و محدودتر می‌شود. به صورتی که واقعاً دایره حریم خصوصی افراد در مقابل غول دولت نهایتاً حذف می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. دیدگاه اول تحت‌عنوان «انقلاب ارتباطات و افزایش تقاضا در نظام سیاسی» در نشریه رسانه، سال ۹، شماره ۲، صص ۴۸-۵۹ مورد بررسی قرار گرفت.

۲. Jean Bodin، اندیشمند فرانسوی و بنیانگذار نظریه حاکمیت.

۳. (Levithan) لویتان، نام یک غول افسانه‌ای است که هیچکس یارای مقابله با او را ندارد. این اصطلاح توسط توماس هابز انگلیسی رایج شد و منظور وی این بود که مردم بنا بر یک قرارداد اجتماعی، همه قدرت‌ها و اختیارات خود را بی‌قید و شرط به حکمران واگذار می‌کنند. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

ناصر پورحسن، «انقلاب ارتباطات و تحول مفهوم حاکمیت» رساله کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، تاستان ۱۳۷۶، بخش اول.

۴. هانا آرنست. توتالیتریزم، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۶۶، ص ۴۲.

۵. مایکل شادسن. «فرهنگ و یکپارچه‌سازی جوامع ملی»، ترجمه کاووس سیدامامی، مجله سیاست خارجی، سال هشتم، زمستان ۱۳۷۳، ش ۴، ص ۲۳۵.

6. Nation - Building
7. Gemeinschaft.
8. Gesellschaft.
9. Mc. Quail, Denis. *Mass Communication theory*. (California: SAGE publication, 1993). p. 90.

Edward shils. *the study of primary group*, in Daniel lerner et al, *the policy sciences* (stanford university press, poialto).

10. Hardr, Hannd. *Social theories of the press* (SAGE publication, 1979) p. 124.

11. Gerbner, G. "Cultural indicator" in Gerbner, G. et al. *Communications technology*

نامحسوس اعمال می‌گردد، افراد را ناآگاهانه در محاصره قرار داده است و بدون اینکه حساسیت زیادی در افراد به وجود آورد، آنها را کاملاً کنترل می‌نماید.

شکل زیر تا حدودی سیر اقتدار دولت و کاهش حوزه قدرت فرد را نشان می‌دهد.

